

## پژوهشی پیرامون روش تفسیری طبری با تکیه بر دیدگاه‌های آیت الله معرفت و ذهبی

فاطمه فاخری<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> پژوهشگر و کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی<sup>(ه)</sup> تهران - ایران

### چکیده

دانش تفسیر در میان علوم اسلامی یکی از ارجمندترین علوم است که با آیات قرآن پیوند می‌خورد. هر مفسری در تفسیر، روش و منهج خاصی دارد که در تفسیر آیات برای فهم مدلول کلام از آن کمک می‌گیرد. بر این اساس، دانستن شیوه و روش تفسیر مفسران، موجب گشودن راهی در مسیر شناخت نوع تفسیر و در نهایت فهم صحیح از تفسیر مورد نظر است. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی روش تفسیری در جامع‌البیان طبری با تکیه بر دو کتاب ارزشمند «تفسیر و مفسرون» ذهبی و «تفسیر و مفسران» معرفت پرداخته است. جامع‌البیان طبری را می‌توان از زمره تفاسیر مأثور - روایی - دانست که مفسر آن تبحر و تسلطی کم نظیر در حدیث و تاریخ دارد. در عین حال با بررسی‌های به عمل آمده، این نتیجه بدست می‌آید که این اثر دارای نواقصی چون؛ تکرار بیش از حد، نقل احادیث بدون بررسی، نقد سندی و رجالی در اکثر موارد و نقل اسرائیلیات بدون هیچ واکنشی در درستی و نادرستی آن‌ها می‌باشد. ضمن این‌که دارای مزایایی چون؛ نقل اختلاف قرائات، نقد و بررسی آن‌ها در اکثر موارد، جرأت در اظهار نظر فقهی و اتخاذ فتوا در ذیل آیات الاحکام نیز هست.

واژه‌های کلیدی: روش تفسیر، طبری، جامع‌البیان، تفسیر مأثور

## مقدمه

هر علمی دارای سه رکن عمده است؛ موضوع، هدف و روش. در این میان "روش" از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. برای جلوگیری از خلط روش‌های تفسیری با گرایش‌ها و واژگان مؤثر دیگر در حوزه تفسیر، باید بدانیم که مقصود از روش تفسیری، امری است فراگیر که مفسر آن را در همه آیات قرآن به کار می‌گیرد و اختلاف نظر در آن، باعث اختلاف در کل تفسیر می‌شود و آن چیزی جز منابع و مستندات تفسیر نیست. (اندیشه‌های قرآنی، مقاله ترمینولوژی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، شاکر، صص ۸۶-۸۷)

در این پژوهش سعی بر این است که به شیوه تفسیری طبری پرداخته شود و تفسیر پژوهانی که آراء و نظرشان در خصوص طبری و شیوه تفسیری وی در این نوشتار مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است، عبارتند از: محمد هادی معرفت و محمد حسین ذهبی می‌باشند.

از سوی دیگر تلاش ما در این تحقیق بر آن است که میان شیوه تفسیری و شخصیت و گرایش‌های مفسر - طبری - ارتباط برقرار سازیم. چرا که یقین داریم اگر کار شخص، کاری اصیل و ریشه‌دار باشد، نه تنها بازتاب تمامی ابعاد شخصیت او، بلکه بازتاب چهره تمامی دوران اوست.

بدین ترتیب در می‌یابیم که تفسیر مفسرین، افزون بر ارائه شخصیت مؤلف، بازتاب تمدن عصر ایشان نیز هست. لذا پیش از ورود به مبحث اصلی لازم است که اندکی با زندگی، شخصیت و اثر مورد نظر - تفسیر طبری - که مبحث اصلی این پژوهش بر آن استوار است، آشنا شویم.

## ۱- مروری اجمالی بر زندگی، شخصیت و مذهب طبری

محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب ابو جعفر طبری؛ در سال ۲۲۴ ه.ق (ابن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۱۴۵) در طبرستان - مازندران فعلی - متولد شد. (ذهبی، سید اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۲۶۷)

در جوانی برای فراگیری علم و دانش رهسپار شهرهای مختلف گردید و در مصر و شام و عراق به فراگیری حدیث همت گماشت. (همان، ص ۲۶۹)

سرانجام در بغداد، رحل اقامت افکند و در آن جا به تعلیم و تربیت و نشر آموخته‌های خود پرداخت و به سال ۳۱۰ ه.ق در همان جا درگذشت.

وی دانشمندی فرزانه و آگاه به تاریخ و آثار سلف، عالمی فاضل و ناقدی نکته بین و در سنجش اقوال و آراء بسیار توانا بود و به همین دلیل علاوه بر تفسیر، به "پدر تاریخ" نیز مشهور بود. این موضوع جامعیت و گسترش تفسیر وی را می‌رساند و ما، در

سایه همین جامعیت و گسترش، امروزه به انبوهی از اقوال و آراء دسترسی داریم و اگر نه شاید این ذخایر ارزشمند از دست رفته بود. (معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۱۶۲)

مهم‌ترین جنبه شخصیت طبری در حیاتش، بعد فقهی و اجتماعی وی بود. (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۲۷۴-۲۷۳) لذا ابن ندیم، طبری را "فقیه" می‌داند نه مورخ. (ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۸۷) البته در گذر زمان جنبه فقهی طبری فراموش شده و از کتب عمده فقهی وی به غیر از "اختلاف الفقهاء"، همچنین کتاب حدیثی-فقهی "تهذیب الآثار" اثری بر جای نمانده است. (همان، ص ۲۸۸) برخی از تألیفات طبری عبارتند از: جامع البیان فی تفسیر القرآن (معروف به تفسیر طبری)، تاریخ الامم و الملوک (معروف به تاریخ طبری) و احادیث غدیر خم و ... می‌باشند.

در مورد مذهب طبری در رجال "نجاشی" آمده که او از اهل سنت بود. (رجال نجاشی؛ ص ۳۲۲) یاقوت در معجم الادباء نوشته است: «او \_ طبری \_ را از ترس عامه، شبانه به خاک سپردند؛ زیرا متهم به تشیع بود. البته روشن است که هر مخالف عامه نمی‌تواند شیعه باشد ولی چون در آن زمان دو گروه اصلی بیشتر نبودند و برای از بین بردن افراد، باید چنین اقداماتی را انجام می‌دادند همان‌گونه که مذهب فقهی "جریره" طبری خود نشان می‌دهد و بعضی هم گفته‌اند؛ طبری در اواخر عمر خویش تمایل به تشیع داشته ولی از ترس حنابله جرأت اظهارنظر صریح را نداشته است. اما با توجه به آثار و کتب او که از افرادی چون، معاویه و ولید و ... دفاع کرده است و یاران حضرت علی<sup>(ع)</sup> را خراب کرده است، نمی‌توان این احتمال را هم پذیرفت. (کیهان اندیشه، ش ۵۲، علامه عسگری، ص ۷۳)

"تفسیر طبری" منبع سرشاری است از گفته‌ها و نظرات پیشینیان که آن را برای همه ادوار به ارمغان گذاشته است؛ گرچه به نقد و بررسی گسترده نیاز دارد، و در واقع، او گنجینه‌ای فراهم کرده و انتخاب اصلح را به مراجعه کنندگان واگذار نموده است، کاری که در جای خود قابل تقدیر است. (معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۱۶۴)

با همه این‌ها می‌توان این‌گونه گفت که؛ امروزه تفسیر طبری از جامع‌ترین و پربهاترین تفاسیر نقلی موجود به شمار می‌رود؛ چرا که دربردارنده نظریات و آراء بزرگان سلف است و اگر چنین دایره‌المعارف تفسیری وجود نداشت، چه بسا که بسیاری از آراء و نظریات پیشینیان از میان رفته بود و به آن دسترسی نداشتیم.

## ۲- جامع البیان فی تفسیر القرآن

تا اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری، همان دوره‌ای که مفسران طبقه چهارم در آن می‌زیسته‌اند، کتاب‌های متعددی در تفسیر، تصنیف یافت که ابن ندیم به ضبط تعدادی از آن‌ها در فهرست خود پرداخته است. (الفهرست، ابن ندیم، ص ۳۷-۳۶)

این تفاسیر صرفاً جنبه روایی داشته و بعضاً مشتمل بر بخشی از قرآن بوده‌اند، که از بیشتر آن‌ها جز نامی در کتب رجال و تراجم و منابع کتاب‌شناسی چیزی بر جای نمانده است و از میان این تفاسیر، برخی به جهاتی قدر و منزلت خاص یافته‌اند که در رأس همه آن‌ها تفسیر طبری موسوم به "جامع البیان فی تفسیر القرآن" قرار دارد، که طبری در کتاب تاریخ خود آن را "جامع البیان عن تأویل آی القرآن" نامیده است.

شاخص‌ترین علت برجستگی تفسیر طبری در میان تفاسیر نگاشته شده در دوره‌های مختلف تاریخ تفسیر به خصوص دوره کلاسیک، این بود که این اثر به رغم آن‌که دایرةالمعارفی از روایات تفسیری بود، که از همین‌رو غالباً در صف تفاسیر روایی به آن پرداخته می‌شود. لذا با پرداختن به نقد روایات موجب گشت تا دوره نگارش تفاسیر محض به پایان برسد. همین مسئله و نیز حجم عظیمی از روایات تفسیری که طبری گردآوری کرده بود، موجب گشت تا جامع البیان از نظر مضمون، منبعی پُر مایه و از نظر روش، الگویی مناسب برای غالب آثار مهم تفسیری پس از خود همانند؛ احکام القرآن ابن عربی و نیز آثاری غیر تفسیری گردد.

افزون بر این، از علل اهمیت و شهرت این اثر نزد دانشمندان اسلامی سده‌های مختلف، این موارد را نیز می‌توان برشمرد: (۱) تفسیر طبری با نقل بسیاری از روایات، گزارشی لحظه به لحظه از رویدادهای تفسیری پیش از خود را ارائه داده است. در واقع این اثر با جای دادن بسیاری از آثار مفقود در تار و پود خود، منبع مناسبی برای بازسازی آن‌ها و یا دست کم اظهارنظر درباره آن‌هاست.

(۲) این کتاب منبع ارزشمندی برای آگاهی از وضعیت علوم در آن روزگار، و نیز شناخت جریانات فکری آن دوران به شمار می‌آید.

ضمن این‌که می‌توان گفت: تفسیر طبری دایرةالمعارفی از تفاسیر متأثر است. تفسیری که نه فقط حاوی ثبت روایات تفسیری، بلکه مشتمل بر نقد و ارزیابی و ترجیح اقوال نیز هست. (گلدزیهر، ۱۳۸۳، صص ۱۱۰-۱۰۷)

### ۳- روش تفسیر طبری

مقصود از «روش» در این‌جا استفاده از ابزار یا منبعی خاص در تفسیر آیات قرآن است که معانی و مقاصد آیه را روشن می‌سازد و نتایج مشخصی را به دست می‌دهد. به عبارت دیگر؛ "روش تفسیر قرآن" عبارت است از: چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد از آیات قرآن. روش‌های تفسیری بر اساس ابزار و منابعی که مفسر مورد استفاده قرار می‌دهد، شکل می‌گیرند. به عنوان مثال، روش مفسری که "روایات" را برای تفسیر قرآن ابزار و منبع قرار دهد، «روش روایی» می‌شود، و روش مفسری که "عقل" را ابزار و منبع خویش قرار دهد، «روش عقلی» خواهد بود.

## ۳-۱- روش تفسیر طبری به بیان خودش

طبری در آغاز تفسیرش، روشی را که بر اساس آن به تفسیر قرآن می‌پردازد، توضیح می‌دهد و هرگاه معیار اصالت در هر کتاب همان چیزی باشد که روح مؤلف و روح زمان او را منعکس می‌کند، تفسیر او از تألیفات نادری است که علاوه بر این‌ها، روح عصرهای گذشته را نیز منعکس می‌کند، چرا که تفسیر وی، تصویری روشن است از روش‌های تفسیر، از ابتدای دوران رسالت حضرت محمد (ص) تا اوایل قرن چهارم هجری. این کتاب در سال ۳۰۶ هجری بر طبری خوانده شد و او همواره در تلاش بود که کتابش میراث تفسیری بزرگی از دوران گذشته باشد. از این‌رو، نخست اگر در تفسیر آیه‌ای، اختلاف وجود داشته باشد و یا اجمالی یافت شود، خواننده را به این امور توجه می‌دهد و در پایان، رأی خود را می‌آورد. (شیوه‌های تفسیری قرآن کریم، دکتر مصطفی الصاوی الجوبینی، ص ۴۰۱)

در این جا باید بگذاریم که طبری خود، درباره این شیوه و کوششی که در این راه انجام داده و نیز هدفی که در آن مد نظر داشته است، سخن بگوید:

«بسم الله الرحمن الرحيم و به ثقتی و علیه اعتمادی، رب یسر ... به نام خداوند بخشنده مهربان، به او اطمینان و بر او اعتماد دارم. پروردگارا تمام کارهایم را بر من آسان فرما ... و پس از جملاتی می‌گوید: خدایا! ما را برای دست یافتن به نظریه‌ای درست درباره محکم و متشابه؛ حلال و حرام؛ مجمل و مفصل؛ ظاهر و باطن و تأویل و تفسیر آیات مشکل این کتاب، موفق بدار. بدانید بندگان خدا - خدا شما را رحمت کند - سزاوارترین چیزی که دانستن آن باید مورد توجه واقع شود و در شناخت آن نهایت کوشش به خرج رود، چیزی است که آگاهی نسبت به آن مورد رضایت باشد و برای شخص دانای به آن، راه هدایت و رشد میسر شود و آن‌چه همه این امور را دربردارد، کتاب خداوند است که هیچ شکی در آن نیست. ما به توفیق خدای متعال، در شرح تأویل قرآن و معنی آن، کتابی در دست تألیف داریم که تمام چیزهایی را که مردم برای فهمیدن قرآن نیاز دارند، در بردارد. و با این کتاب، از سایر کتبی که در این زمینه نوشته شده بی نیاز خواهند شد و نیز در موارد اختلاف، با توضیح بیان هر کلمه و اثبات آن با دلایل خودش، نظریه خود را با موجزترین حدّ ممکن و اختصاری هرچه مناسب‌تر روشن کرده‌ایم. اولین سخنی که در کتاب مزبور به آن خواهیم پرداخت بیان عاملی است که موجب می‌شود یک موضوع در آغاز بیاید و بر دیگر موضوعات مقدم شود و آن، توضیح معانی آیاتی است که باعث اشتباه کسی می‌شود که در تحصیل علوم عربی رنج نکشیده و نسبت به شناخت شیوه‌های گوناگون استدلال‌های منطقی به نقل از گذشتگان و یا روش فطری آگاهی کامل ندارد.» (تفسیر طبری، ج ۱، صص ۲-۴)

طبری در آغاز تفسیر خود از اهمیت تفسیر متن قرآنی پرده برداشته و ابزار مخصوص این تفسیر، علوم عربی است. از این رو در کتاب خود، فصلی درباره علوم عربی باز کرده و آن را چنین نامگذاری کرده است. گفتاری در میان همخوانی معانی آیات قرآنی با معانی سخن کسی که قرآن در زمان او نازل شده و این که این امر در ناحیه خداوند است و نیز بیان برتری معنایی که به سبب آن، قرآن از سخنان دیگر جدا شده است.

طبری در این کتاب یک نظریه اساسی را مورد بررسی قرار داده و آن عربیت قرآن است. نیز تفاوت روش قرآنی را با ویژگی‌هایی که دارد با آن چه در متون ادبی عربی شناخته شده، بررسی کرده است. او به بعضی از این ویژگی‌ها اشاره می‌کند. او اندیشه‌های افرادی که پیش از او از اعجاز قرآن بحث کرده‌اند را خلاصه کرده است و به خوبی از آن دفاع کرده است و ارزش آن را برای کسانی که در فهمیدن متن قرآن می‌کوشند، بیان داشته است.

طبری پس از بحث درباره ویژگی‌های عبارات قرآنی که بیانگر خصوصیات موجود در ادبیات عرب است، به شرح و تفسیر می‌پردازد و پس از آن که عربی بودن اسلوب قرآن را اثبات می‌کند، به اثبات عربی بودن الفاظ مفرد آن می‌پردازد. (تفسیر طبری، ج ۱، صص ۴-۶)

بعد از آن بخشی دارد تحت عنوان "گفتار درباره یکی از گویش‌های عرب که قرآن با آن نازل شده است و بر این عقیده است که «انزل القرآن علی سبعة احرف، فالمرء فی القرآن کفرٌ \_ ثلاث مرأه \_ فما عرفتم فاعملوا به و ما جهلتم به فردوه الی عالمه» ؛ به این معنا که قرآن به هفت لغت (زبان / گویش) نازل شده است، و سه مرتبه فرمود: پس جدال در قرآن کفر است. بنابراین هرچه از آن را می‌دانید به آن عمل کنید و هر چه را نمی‌دانید، آن را به عالم قرآن وا گذارید (طبق روایتی از پیامبر). (همان، ج ۱، ص ۱۰)

طبری بعد از بیان این مطلب که هرکس موفق به درک دلایلی که ما در استدلال بر عربیت قرآن و توضیحاتی پیرامون امر و نهی و حلال و حرام و ... آوردیم، وی را کفایت می‌کند. سپس به توضیح روش تفسیری خود ذیل فصلی تحت عنوان "گفتار درباره راه‌هایی که می‌توان به شناخت تأویل قرآن رسید" پرداخته است. (همان، ج ۱، ص ۲۵).

او در این فصل برای متن قرآن سه حد قطعی معین کرده است:

(۱) حدی که آگاهی تفصیلی از آن مخصوص خداوند است.

(۲) حدی که علم به آن مخصوص پیامبر<sup>(ص)</sup> است، زیرا او امین خدا بر وحی است.

(۳) حدی که برای هر دانشمند لغوی و تفسیری، دسترسی به آن امکان پذیر است.

در این حد، طبری را می‌بینیم که ادامه دهنده روش ابن عباس در تفسیر به شمار می‌رود. همچنین طبری در تفسیرش دیگران را از تفسیر به رأی نهی کرده، و همان گونه که با آن مخالف است خود نیز به شدت از آن پرهیز می‌کند. و در نهایت می‌بینیم

که؛ طبری می خواهد روش ابن عباس در تفسیر را ادامه دهد، یعنی از لغت کمک می گیرد و به نصوص ادبی عربی استفاده می کند و همواره در تلاش است تا از مرز روایات تجاوز نکند.

### ۳-۲- روش تفسیر طبری از دیدگاه ذهبی

ذهبی ذیل مطالبی که تحت عنوان "جامع البیان فی تفسیر القرآن طبری" نگاشته است، در ابتدای آن به فضایل و درجات علمی و تفسیری طبری پرداخته و نظرات افراد مختلف را در خصوص درجه اعتباری ایشان بیان داشته است. (التفسیر و المفسرون ذهبی، ج ۱، ص ۲۰۶)

بعد از آن سخنانی در خصوص کتب ایشان و سپس مطالبی در مورد مذهب او بیان داشته که نظرات مختلفی در خصوص مذهب او از سخنان افراد مختلف را بیان فرموده است.

ایشان در مورد همت و توان ابن جریر در تألیف و تصنیف کتب، این قصه را که ابن سبکی در طبقات شافعی ذکر کرده است آورده؛ ابن سبکی در طبقات کبری چنین نقل می کند که:

« روزی ابن جریر خطاب به اصحابش گفته: آیا برای تفسیر قرآن فعالیت می کنید؟ پرسیدند اوراق آن چه مقدار خواهد بود؟ گفت: سی هزار ورق. گفتند این مقدار عمر انسان را به پایان می رساند پیش از آن که کتاب به پایان رسد. پس طبری آن را در سه هزار ورق مختصر کرد. سپس از آن ها پرسیدند که آیا برای جمع آوری تاریخ عالم، از زمان آدم تا عصر ما فعالیت می کنید؟ گفتند: اوراقش چه اندازه خواهد بود؟ طبری آن چه را برای تفسیر گفته بود، برای تاریخ نیز ذکر می کند و آنان نیز همان پاسخ را که پیش داده بودند، باز گفتند.

ابن جریر گفت: همت ها مرده است. پس از آن تاریخ را نیز به اندازه تفسیر مختصر کرد و به مقدار امروزی که در اختیار ما نیز هست، بسنده کردند ولی با وجودی که طبری کتاب تفسیر و تاریخ خودش را مختصر کرده است، ولی باز هم کمتر کسی است که بتواند کتابی همچون تاریخ و تفسیر طبری تألیف کند. (التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص

(۲۱۰)

همچنین روایت شده است که محمد بن جریر طبری در مدت چهل سال از عمرش هر روز چهل ورق می نوشت و این دلالت بر زندگانی علمی وی دارد. اگر این مقدار را حساب کنیم می بینیم نیاز به یک کتابخانه بسیار بزرگ است تا این تألیفات را در خود جای دهد.

این کتاب نزد متقدمین و متأخرین محل اعتبار و نظر بوده است و یکی از مشهورترین کتب تفسیر به حساب می‌آید و همچنین جزء مرجع اول در تفسیر نقلی محسوب می‌شود. مضاف بر این، این کتاب در تفسیر عقلی و استنباط و توجیه اقوال و ترجیح بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر، از رتبه و درجه حائز اهمیتی برخوردار است.

یکی از ممیزات تفسیر طبری منهج علمی‌ای است که وی در تفسیر خویش پیموده است، بدین صورت که هرگاه کسی تفسیر وی را بخواند، متوجه این امر می‌شود و به واضح بودن منهج او پی خواهد برد.

ابن جریر در "جامع البیان" اعتماد اساسی بر تفسیر مأثور (نقلی) دارد که از رسول خدا (ص) و یا اصحاب کرام و یا تابعین ثابت شده باشد و در مقابل کسی که قرآن را به مجرد رأی شخصی خود تفسیر کند (تفسیر به رأی)، شدیداً آن را انکار می‌کند؛ اگر چه خود وی در "جامع البیان" تفسیر به رأی و یا ترجیح اقوال دارد و بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح می‌دهد و با توجیه، آن‌چه را که ترجیح دارد می‌پذیرد.

طبری در تفسیر آیات، به ذکر قرائات مختلف پرداخته و معانی مختلف را بیان می‌دارد، در مقابل بیشتر وقت‌ها قرائاتی که از ائمه‌ی قرائات اثبات نشده و نزد آن‌ها معتبر نیست را مردود دانسته و گاهی وقت‌ها یک قرائت را بر دیگری ترجیح می‌دهد و احیاناً به مساوی بودن دو قرائت اکتفا می‌کند. ذکر قرائات مختلف در تفسیر طبری، به عنایت وی در علم قرائات بر می‌گردد. از منهج دیگر طبری در تفسیر این است که به مسائلی که فایده‌ای در آن نیست نمی‌پردازد؛ مانند: شناخت اسماء اصحاب کهف و نوع غذایی که در مائده آسمانی نازل شد و امثال آن‌ها که معرفت آن دارای ارزش نمی‌باشد.

دیگر آن که او در تفسیرش اهتمام خاص به اجماع علما داده است، لذا اگر در تفسیر آیه قرآنی، اجماع امت باشد، به آن راضی شده و مورد حجت قرار می‌دهد.

طبری در تفسیر آیات مخصوصاً هنگام ترجیح بعضی اقوال، به کلام عرب باز می‌گردد و به اشعار ایشان اعتماد می‌کند و تفسیر وی غنی از اشعار شعرای قدیم است. همچنین او در کتاب خویش ترجیح مذاهب نحوی و صرفی نیز دارد. نکته‌ی دیگر این‌که؛ اگرچه در کتاب طبری روایات اسرائیلی بسیاری وجود دارد که نیاز به بررسی و تحقیق این روایات ضروری است، اما به خاطر ملتزم بودن وی در ذکر اسانید هیچ نوع گناهی بر وی نخواهد بود، چرا که از منهج طبری در تفسیرش این است که؛ اقوال را به گوینده سوق می‌دهد و گاهی وقت‌ها به صحت و سقم آن می‌پردازد ولی به طور کلی او بر اسانید حکم نمی‌کند و صحت و ضعف آن را بر عهده خواننده می‌گذارد.

### ۳-۳- روش طبری از دیدگاه معرفت

طبری دانشمندی فرزانه و آگاه به تاریخ و آثار سلف، عالمی فاضل و ناقدی نکته بین و در سنجش اقوال و آراء بسیار توانا بود و به همین دلیل علاوه بر تفسیر به "پدر تاریخ" نیز مشهور بود. این موضوع جامعیت و گسترش تفسیر وی را می‌رساند و ما در



سایه همین جامعیت و گسترش، امروزه به انبوهی از اقوال و آراء دسترسی داریم و اگر نه شاید این ذخایر ارزشمند از بین رفته بود. (تفسیر و مفسران، معرفت، ج ۲، ص ۱۶۲)

### ۳-۳-۱- شیوه طبری در تفسیر (اندیشه نظری)

در تفسیر و مفسران محمدهادی معرفت آمده است که: « طبری اقوال پیشینیان را با ذکر سند می‌آورد، که این خود موجب اعتبار نقل وی می‌گردد؛ ولی در موارد بسیاری نیز، از افراد ضعیف یا مجهول الحال یا معروف به جعل روایت می‌کند. عمده ضعف وی در همین مورد است، به ویژه در نقل " اسرائیلیات " که راه افراط رفته و به ارزش تفسیر خود لطمه وارد ساخته است. به همین دلیل بر وی خرده گرفته‌اند که، بدون توجه به صحت و سقم روایات و بدون ذکر درجه ضعف یا قوت سند، آن‌ها را نقل می‌کند.

شاید گمان کرده است ذکر سند به تنهایی، مسئولیت را از او بر می‌دارد یا از سنگینی آن می‌کاهد؛ در حالی که چنین نیست و این همه روایات سست و ناشناخته، به ویژه اسرائیلیات خرافی و دروغین که تفسیر خود را به آن انباشته است، مسئولیت او را هر چه سنگین‌تر ساخته است، تا آن‌جا که نقادان به نکوهش او پرداخته‌اند.

از جمله شیخ محمد عبده او را به جنون جمع آوری حدیث توصیف کرده است. عبده در ذیل آیه ی " بشارت فرزند به ذکر یا " می‌گوید: « اگر افراط جنون آمیز وی در نقل روایات نبود، این‌گونه روایات سست و ناروا را که موجب بدبینی و تمسخر دیگران است و خرد هرگز به پذیرش آن تن نمی‌دهد و از باور داشتن آن ابا دارد و قرآن هم به آن اشاره نکرده است، نمی‌نوشت ... خداوند از ابن جریر درگذرد که چنین روایاتی بر دست او انتشار یافت». (تفسیر المنار، ج ۳، صص ۲۹۹-۲۹۸)

ابن جریر از محدثان افراط کار در نقل حدیث بود و روایات او به ویژه روایات تفسیری‌اش به نقد و بررسی گسترده‌ای نیاز دارد. در بررسی روایات او باید توجه کرد که ذکر سند به تنهایی پذیرفتنی نیست.

گرچه در تفسیر و مفسرون ذهبی گفته شده که: « هر که گفتاری را با سند آورد، هر آینه بار مسئولیت بررسی سند را بر عهده تو گذارده است. » و مفسران بسیاری صرفاً با تکیه بر شخصیت طبری، به روایات بی اعتبار تفسیر طبری اعتماد کرده‌اند. از این‌گونه موارد که سهل انگاری سلف در نقل روایات، موجب گمراهی خلف گردیده است، بسیار است و چه بسا فاجعه‌های ناگوار عقیدتی و عملی به بار آورده است.

طبری، تفسیر هر آیه را بدین‌گونه آغاز می‌کند: « القول فی تأویل قوله تعالی ... » و مقصود وی از تأویل، همان تفسیر و بیان معنای آیه است: چون هر لفظ به معنای خاصی دلالت می‌کند و به عبارتی: لفظ، طریق است و معنا، مقصد. سپس با گفتن «

یعنی ... « تفسیر آیه را براساس رأی برتر بیان می‌کند و در صورت لزوم به تبیین واژگان مشکل آیه می‌پردازد و از اشعار و ضرب المثل‌های عرب بهره می‌گیرد.

گاهی نیز در این جهت راه افراط می‌پیماید که از گسترش و سلطه بر لغت و ادب عرب حکایت می‌کند. آن‌گاه اقوال مختلف را جداگانه به طور منظم نقل می‌کند، بدین صورت که؛ هر وجهی را با شماره‌ای می‌آورد و قول هر قائلی را که در خصوص هر وجه با عبارت "حَدَّثَنِي" یا "حَدَّثْتُ" آغاز می‌کند؛ سپس خود را به آن قائل \_ به گونه‌ای زنجیروار \_ بیان و با این روش راه را برای تبیین ضعف یا قوت سند آماده می‌کند.

پس از بیان اقوال، غالباً آن‌ها را بدون ترجیح یا ذکر دلایل اعتبار هر یک از آن‌ها، رها می‌سازد؛ ولی در مواردی که به نظرش مهم است به ذکر دلایل اعتبار هر یک از اقوال می‌پردازد و برخی را نیز ترجیح می‌دهد و از شواهد عقلی و نقلی و لغت و ادب نیز بهره می‌جوید.

### ۳-۳-۲- شیوه طبری در تفسیر (اندیشه عملی)

الف- موضع طبری با اهل رأی؛ طبری با آن که خود در ترجیح و انتخاب رأی به دلایل عقلی و نقلی و شواهد لغوی می‌پردازد، در عین حال به کسانی که آنان را اهل رأی می‌خواند و به شواهدی از لغت و کلام عرب استفاده کرده‌اند، می‌تازد. روشن است که این روش برخلاف شیوه سلف صالح است و تفسیر به رأی محسوب می‌شود.

به طور مثال؛ طبری در مقابل "مجاهد" ایستاده و او را به تفسیر به رأی متهم کرده است. در آیه «کونوا قردة خاسئين» (بقره: ۶۵)؛ خود در ظاهر آیه مانده است و بر این باور است که قوم یهود به صورت بوزینگان مسخ شده‌اند. آن‌گاه از مجاهد نقل می‌کند که این نوعی تشبیه و تمثیل است و در واقع، دل‌های یهودیان مسخ گردید و آن قوم، خلق و خوی بوزینه پیدا کردند. طبری سپس به مجاهد می‌تازد که این سخن، شدیداً با ظاهر کلام خدا مخالف است و نیز سخن مجاهد مخالف حجت اجماع است. (تفسیر طبری، ج ۱، صص ۲۶۴-۲۶۳)

البته از کسی چون طبری که محدثی ظاهرنگر بیش نیست و در تفسیر و نقل حدیث همچون حشویه رفتار می‌کند، بیش از این انتظار نمی‌رود.

ب- موضع طبری نسبت به گزیده‌های کلام عرب؛ شیوه طبری در استفاده از اشعار و ضرب المثل‌های عرب یکی از مزیت‌ها و توانایی‌های او در لغت و ادب عرب به شمار می‌رود.

به طور مثال او در تبیین مفهوم "نَدَّ" در آیه «فَلَا تَعْجَلُوا لِلَّهِ اِنْ دَاؤُا» (بقره: ۲۲)، می‌گوید: «انداد» جمع نَدَّ به معنای عدل و مثل (همانند) است؛ چنان که حسان بن ثابت گفته است: اَتَهْجُوهُ و لَسْتَ لَهُ بِنْدٌ فَشَرَكُمَا لَخَيْرِ كَمَا الْفِدَاءُ (همان، ج ۱، ص ۱۲۷)

که به این معنی است: «آیا او را هجو می‌کنی در حالی که همتای او نیستی، پس بدترین هر یک از شما فدای بهترین شود.»

ج- در رابطه با قرائات؛ طبری از نظر قرائت و ترتیل قرآن کم نظیر بود؛ و این تبخّر و گستردگی اطلاع وی بر قرائات، در سرتاسر تفسیر وی نمودار است. در حدود ۸۵۰ قرائت را در ذیل آیات، مورد بحث و بررسی قرار داده و در برخی موارد پس از نقد و بررسی، قرائت ارجح را پیدا کرده است؛ گرچه احیاناً دچار اشتباه شده است.

مثلاً در ترجیح قرائت "مَلِك" بر "مَالِك" می‌گوید: «هر که مَلِك (پادشاه) باشد، مَالِك نیز هست؛ ولی هر که مَالِك باشد، لزوماً مَلِك نیست. از این گذشته، خداوند در آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ملکوت خویش را بر همه عوالم بیان داشته است و اگر مَالِك بخوانیم محبت تکرار می‌شود.

طبری در اینجا سه اشتباه دارد؛ اولاً آن که: هر مَلِكی (پادشاه) مَالِك نیست و اصولاً مَلِك بودن هیچ دلالتی بر مَالِك بودن ندارد. چه بسا مَلِك با قهر و غلبه، سلطه یافته و غاصب باشد.

دوم آن که: ربّ به معنای پروردگار، گستردگی حوزه پروردگاری او را می‌رساند که به معنای مَلِك (صاحب سلطه و اختیار) نزدیک‌تر است، تا به معنای مَالِك (صاحب مَلِك). سوم آن که: عالمین، مجازاً - با علاقه محلیّه - به معنای جهانیان است نه جهان‌ها.

## نتیجه‌گیری

جامع البیان اثر تفسیری طبری است که او در آن شیوه ثابتی را در پیش گرفته است. از گسترده‌ترین ابعاد این تفسیر، بعد روایی آن است و ذهنی و معرفت هر دو بر این نکته که؛ تفسیر طبری، نقلی - مأثور - بوده و دارای ارزش و اعتبار بالایی است، مشترکند.

از اشتراکات دیگر ذهنی و معرفت؛ اشتراک بر مخالفت طبری با تفسیر به رأی است. هرچند که خودش در برخی موارد به ترجیح اقوال پرداخته است. همچنین استفاده طبری از شواهد عقلی، نقلی، لغت و ادب در تفسیرش، صاحب نظر بودن طبری در قرائات مختلف و استفاده از اشعار شعرای قدیم از دیگر مشترکات دیدگاه‌های ذهنی و معرفت در خصوص روش تفسیر طبری می‌باشد.

اما افتراقاتی هم برای این دو وجود دارد؛ از آن جایی که آیت الله معرفت معتقد است، ذهبی از مبانی فکری نادرستی برخوردار است که سبب انحراف در دیدگاه‌های ایشان شده است. به طور مثال می‌توان به این موارد در دیدگاه‌های او اشاره کرد: اولاً؛ وجود اسرائیلیات در منهج طبری از منظر آیت الله معرفت اشکال است، حال آن که ذهبی آن را اشکال ندانسته و معتقد است چون با ذکر سند آمده گناهی بر طبری نخواهد بود و تشخیص صحت یا عدم صحت سند بر عهده مخاطب (خواننده) است نه نویسنده (طبری).

ثانیاً؛ ذهبی معتقد بود چون روایات تفسیری طبری با ذکر سند بوده است بنابراین مسئولیت آن بر عهده مخاطب است در حالی که از نظر معرفت، طبری از محدثان افراط کار در نقل حدیث بود و روایات تفسیری‌اش نیاز به بررسی دارد. ثالثاً؛ ذهبی در کتابش بیان کرده است که از منهج طبری در ردّ بر کسی که مخالف اهل سنت و جماعت است، می‌باشد؛ ولی آیت الله معرفت در ذیل بخش گرایش مذهبی طبری آورده است که: «به علت هراس از غوغا گران نادان و متعصب نتوانسته تفسیرش را آزادانه گزارش کند و راه ابهام‌گویی را در پیش گرفته است»؛ که این نشانگر تفاوت دو دیدگاه در گرایش مذهبی طبری می‌باشد.

همچنین باید گفت اگر علمای حدیث بیشتر به رجال سند توجه می‌کردند و به بررسی و جرح و تعدیل آن‌ها می‌پرداختند، طبری به نقد و بررسی متن روایات می‌پردازد و در عین حال، از نقد راویان این روایت‌ها – اگر در آن‌ها اشکالی ببیند – غفلت نمی‌کند.

ووجه عمده در تفسیر طبری، توجیه و ترجیح اقوال بر یکدیگر است که در موارد جزئی‌تر در قرائات و نحو نیز رعایت شده است. در نهایت به طور قطع می‌توان گفت که؛ طبری تا زمان خود، تنها کسی است که به طور جامع و کامل از بعد روایی استفاده کرده ولی نظریات خاص خود را با تلفیق روایات گوناگون ارائه داده است.

## مراجع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۳. ذهبی، محمدحسین. (۱۳۹۶ق). التفسیر و المفسرون، قاهره: دار الکتب الحديثه.
۴. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۴). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، مشهد: الجامعه الرضويه للعلوم الاسلاميه.
۵. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸). تفسیر و مفسران، ج ۲، قم: التمهید.

۶. شاکر، محمدکاظم. (۱۳۹۴). اندیشه‌های قرآنی، ج ۲، قم: آیین احمد (ص).
۷. ابن کثیر (دمشقی)، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۱ق). البدایة و النهایة، ج ۱۱، بیروت: دارالفکر.
۸. ذهبی، محمدبن احمد. (۱۴۱۴). سیر أعلام النبلاء، ج ۱۴، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۹. ابن ندیم، محمدبن اسحاق. (۱۳۸۱). الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
۱۰. عسکری، سید مرتضی. (۱۳۹۱). «مطالعه آثار علامه عسکری؛ راهی برای تشخیص نقل قول‌های دروغین تاریخ طبری»، خبرگزاری بین‌المللی قرآن، کد خبر: ۲۳۷۸۴۷۶.
۱۱. الصاوی الجوبینی، مصطفی. (۱۳۸۷). شیوه‌های تفسیر قرآن کریم، ترجمه موسی دانش و حبیب روحانی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی
۱۲. یغمایی، حبیب. (۱۳۹۳). ترجمه تفسیر طبری، چ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. محمد، رشیدرضا. (۱۹۹۰م). تفسیر المنار، قاهره: الیهیئة المصریة العامة للكتاب.
۱۴. شهابی، علی اکبر. (۱۳۸۳). احوال و آثار محمدبن جریر طبری، تهران: دانشگاه تهران مؤسسه انتشارات و چاپ
۱۵. سمینار بین‌المللی طبری. (۱۳۶۸). «خلاصه مقالات شیخ المورخین ابوجعفر محمدبن جریر طبری»، وزارت پژوهشی فرهنگ و آموزش عالی دانشگاه مازندران.
۱۶. مؤدب، سیدرضا. (۱۳۸۵). روش‌های تفسیر قرآن، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۱۷. نصیری، علی. (۱۳۸۷). معرفت قرآنی (یادنگار آیت‌الله محمدهادی معرفت<sup>(ه)</sup>)، چ اول، ج ۳، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. جلیلی سنزیقی، سیدهدایت. (۱۳۹۱). پژوهش در تفسیر پژوهی قرآن: مطالعه الگوهای زرقانی، ذهبی، طباطبایی، معرفت، فهد رومی و بابایی، نشر سخن.
۱۹. محمود، عبدالحلیم. (۱۴۲۱). مناهج المفسرین، بیروت: دارالکتب اللبنانی.
۲۰. علوی مهر، حسین. (۱۳۸۱). روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: نشر اسوه.
۲۱. رضوی، فیاض حسین. (۱۳۸۳). «روش تفسیر عقلی و نقد دیدگاه‌های ذهبی»، پژوهش‌نامه حکمت و فلسفه اسلامی، ش ۱۲.